



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۲

موضوع کلی: علائم و نشانه‌های وثاقت راوی

مصادف با: ۲ رجب ۱۴۳۴

موضوع جزئی: ذکر راوی به عنوان اصحاب امام صادق (ع) - مشایخ اجازه

جلسه: ۳۶

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در این بود که آیا ذکر شخصی به عنوان اصحاب امام صادق (ع) نشانه و دال بر وثاقت است یا نه؟ استدلال مرحوم حاجی نوری بر این مدعا و اشکالات مرحوم آقای خویی و بررسی و نقد این اشکالات بیان شد. اگر چه اشکالات مرحوم آقای خویی به استدلال محدث نوری تمام نیست اما این به معنای پذیرش ادعای محدث نوری هم نیست، یعنی صرف اینکه کسی در زمره اصحاب امام صادق (ع) قرار بگیرد دلیل بر وثاقت او نیست.

بررسی کلام محدث نوری:

اشکال اصلی که متوجه کلام محدث نوری است این است که آنچه ایشان از شیخ مفید و ابن شهر آشوب و بعض دیگر نقل کرده به عنوان شهادت بر وثاقت محسوب نمی‌شود.

توضیح مطلب این است که اساس استدلال محدث نوری شهادت شیخ مفید و امثال او بود، البته از دقت در عبارات دیگران هم معلوم می‌شود عمده کسانی که این ادعا را کرده‌اند مستند به کلام شیخ مفید این سخن را گفته‌اند، حال باید ببینیم آیا کلام شیخ مفید به عنوان شهادت بر وثاقت این اشخاص محسوب می‌شود یا نه؟

در اینکه کلمات شیخ مفید بر آنچه ابن عقده گفته منطبق می‌باشد تردیدی نیست و بحثی در این نیست که کلام شیخ مفید ناظر بر سخن ابن عقده است ولی به هیچ وجه از کلام شیخ مفید بدست نمی‌آید که ایشان شهادت داده بر اینکه همه اصحاب امام صادق (ع) ثقة هستند، شیخ مفید فرمود: «ان اصحاب الحديث قد جمعوا اسماء الرواة عنه عليه السلام من الثقات على اختلافهم في الآراء و المقالات فكانوا اربعة آلاف رجل»؛ ایشان می‌فرماید: اصحاب حدیث، اسماء ثقات از روات از امام صادق (ع) را ذکر کرده‌اند که حدود ۴۰۰۰ نفرند. این بیان ممکن است اشعار به وثاقت آن اشخاص باشد ولی انصاف این است که این کلام شهادت بر وثاقت آن اشخاص نیست. این کلام بیشتر در مقام بیان کاری است که ابن عقده انجام داده، یعنی می‌خواهد بگوید ابن عقده اسم ۴۰۰۰ نفر از روات از امام صادق (ع) را ذکر کرده لکن اسماء ثقات را ذکر کرده، این عبارت ممکن است اشعار یا ظهور در این داشته باشد که اجمالاً این افراد ثقة‌اند یا از نظر کسانی که اسامی آنها

را جمع کرده ثقة بوده‌اند اما اگر بخواهد شهادت بر وثاقت باشد صریحاً بگوید من این افراد را ثقة می‌دانم پس از این کلام چنین چیزی استفاده نمی‌شود.

نکته‌ای که لازم است به آن توجه شود این است که ابن عقده اسامی روات را ذکر کرده اما در اینکه خود او توثیق کرده یا شیخ مفید، دو احتمال وجود دارد، ابن عقده در کتابش اسم ۴۰۰۰ نفر را به عنوان روات از امام صادق (ع) ذکر کرده است، در عبارتی که از شیخ مفید نقل شد دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: هم ذکر کننده اسامی روات، ابن عقده است و هم توثیق کننده آنها.

احتمال دوم: ابن عقده اسامی روات را ذکر کرده اما شیخ مفید آنها را توثیق کرده است.

اگر احتمال اول مراد باشد، شیخ مفید فقط نقل می‌کند که ابن عقده اسامی روات را جمع‌آوری کرده و آنها را توثیق کرده که در این صورت قهراً نحوه استدلال عوض می‌شود و دیگر ربطی به توثیق شیخ مفید ندارد و باید روی توثیق ابن عقده تمرکز کنیم ببینیم آیا توثیق ابن عقده قابل اعتماد هست یا نه و این چیزی غیر از استدلال حاجی نوری می‌باشد، چون حاجی نوری به استناد کلمات شیخ مفید گفته اگر شخصی در اصحاب امام صادق (ع) قرار بگیرد ثقة است، پس اگر توثیق ابن عقده مورد بحث باشد مشکل این است که ابن عقده زیدی مذهب بوده اما متصف به وثاقت و امانت بوده، حال باید بحث کرد که توثیقات ابن عقده تا چه حد قابل اعتماد است و آیا می‌توان به عنوان یک قاعده کلی گفت هر کسی را که ابن عقده توثیق کرده باشد ثقة است؟ و این بحثی است که باید مستقلاً به آن پرداخته شود.

اگر هم احتمال دوم مراد باشد که ابن عقده اسامی این اشخاص را ذکر کرده و شیخ مفید آنها را توثیق کرده، مشکل این است که چنین چیزی از کلمات شیخ مفید استفاده نمی‌شود و شیخ بر وثاقت این اشخاص شهادت نداده است.

اما کلمات دیگران مثل ابن شهر آشوب و بعضی از بزرگان دیگر یا همان کلمات شیخ مفید است، یعنی همان کلام شیخ را تکرار کرده و به آن استناد کرده‌اند یا خودشان مستقلاً این اشخاص را توثیق کرده‌اند، اگر کلمات آنها همان کلمات شیخ مفید باشد عرض کردیم شیخ مفید به وثاقت این اشخاص تصریح نکرده و به وثاقت آنها شهادت نداده اما اگر خودشان مستقلاً این اشخاص را توثیق کرده باشند، نمی‌توانیم این توثیق را بپذیریم و به عنوان نشانه و علامت وثاقت راوی قلمداد کنیم. نتیجه اینکه صرف اینکه نام کسی به عنوان اصحاب امام صادق (ع) ذکر شده باشد دلیل بر وثاقت نیست لذا هر کدام از این اشخاص باید مستقلاً از حیث وثاقت و عدم آن مورد بررسی قرار گیرند.

۴- مشایخ اجازه

گفته شده مشایخ اجازه نیازمند توثیق نیستند، منظور از مشایخ اجازه کسانی هستند که اجازه نقل روایت به دیگران داده‌اند، حال سؤال این است که آیا صرف انطباق مشایخ اجازه بر اشخاصی آنها را از توثیق بی‌نیاز می‌کند یا باید از حیث وثاقت و عدم وثاقت مورد بررسی قرار گیرند؟

در اینجا دو قول وجود دارد:

قول اول: بسیاری از بزرگان ادعا کرده‌اند اگر کسی اجازه نقل روایت بدهد و از مشایخ اجازه باشد نیازی به توثیق ندارد، از جمله کسانی که مدعی هستند مشایخ اجازه نیاز به توثیق ندارند شهید ثانی^۱، صاحب معالم^۲ (ابن الشهید) و وحید بهبهانی^۳، میرداماد^۴ و محدث بحرانی می‌باشند.

قول دوم: در مقابل، عده‌ای معتقدند مشایخ اجازه هم نیاز به توثیق دارند.

بحث جلسه آینده: هر کدام از این دو گروه ادله‌ای بر مدعای خود اقامه کرده‌اند که انشاء الله در جلسه آینده به ذکر و بررسی آن ادله خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. الرعاية في علم الدراية، ص ۱۹۲.
۲. منتقى الجمان، ج ۱، فایده ۹، ص ۳۹.
۳. فوائد البههانی، فایده ۳، ص ۴۵.
۴. الرواشح السماویة، ص ۱۰۴، راسحه ۳۳.